

۴

اتحاد آنکارا - باکو در جنگ دوم قره‌باغ و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران

مهرداد صالحی یگانه^۱

آرش رئیسی نژاد^۲

درجه مقاله: علمی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳

^۱. نویسنده مسئول، دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران (mehrdadsalehi74@ut.ac.ir)

^۲. استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (arash.reisinezhad@ut.ac.ir)

درجه مقاله: علمی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳

چکیده

طی سه دهه گذشته، آذربایجان و ترکیه موفق به ایجاد یک رابطه قوی و عمیق بر اساس منافع مشترک شده‌اند که در جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ به اوج خود رسید. جنگ قره‌باغ و رژه نظامی پس از پایان آن در باکو که با حضور الهام علی‌اف و رجب طیب اردوغان برگزار شد، ظرفیت اتحاد بین دو کشور را برجسته کرد. ترکیه در جنگ دوم قره‌باغ با حمایت سیاسی - نظامی از جمهوری آذربایجان موفق شد پیوند خود با این کشور را بیش‌ازپیش تقویت کند و ضمن تثبیت حضور خود در قفقاز جنوبی، از آن به‌عنوان پلی برای رسیدن به آسیای مرکزی استفاده کند. حضور ترکیه به‌عنوان رقیب تاریخی ایران در جنگ قره‌باغ و اتحاد آن با جمهوری آذربایجان برای امنیت ملی ایران تهدیداتی به همراه دارد. بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش است که اتحاد آنکارا - باکو چگونه و با چه سازوکاری بر امنیت ملی ایران تأثیر می‌گذارد؟ برای پاسخ به این پرسش با استفاده از روش ردیابی فرایند و با بهره‌گیری از چارچوب نظری سه سطحی و سه حوزه‌ای تلاش شده است تا تهدیدات اتحاد آنکارا - باکو علیه امنیت ملی ایران تبیین شود. اتحاد باکو - آنکارا از طریق پیگیری ایدئولوژی پان‌ترکیسم، کنترل خطوط لوله انرژی، تلاش برای ایجاد دالان زنگزور و به‌کارگیری نیروهای مزدور در جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ در ابعاد ژئوکالچر، ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک بر امنیت ملی ایران تأثیر می‌گذارد. در این پژوهش، روش گردآوری اطلاعات نیز به‌صورت استفاده از منابع مکتوب اعم از کتب، مقالات، اسناد و داده‌های اینترنت است.

• واژگان کلیدی

امنیت ملی ایران، جنگ قره‌باغ، اتحاد باکو - آنکارا، دالان زنگزور، انرژی.

بیان مسئله

مناقشه قره‌باغ، نوعی منازعه دیرینه و آتش زیر خاکستر است که ریشه‌های تاریخی، ژئوپلیتیکی، قومی و مذهبی دارد و راه‌حل مناسبی برای حل آن ارائه نشده است. هرچند جمهوری آذربایجان و ارمنستان آتش‌بس ۱۹۹۴ را پذیرفته‌اند، ولی هرگز به یک صلح پایدار تن نداده‌اند. بحران قره‌باغ در سال ۱۹۸۸ آغاز شد و پس از فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ همچنان ادامه یافت. حدود ۲۰ درصد از اراضی جمهوری آذربایجان در نیمه اول دهه ۱۹۹۰ به تصرف ارمنستان درآمد حتی سازمان ملل از سال ۱۹۹۴ در چهار قطعنامه ۸۵۳-۸۷۴ و ۸۸۴ درصد رفع بحران برآمد. اما این قطعنامه‌ها به‌عنوان ابزار حل اختلاف طرفین، ضمانت اجرایی کافی نداشتند. بدین ترتیب، به‌رغم تلاش‌های سیاسی و دیپلماتیک بسیار از سوی میانجی‌گران مختلف در نهایت در سال ۱۹۹۴ با وساطت گروه مینسک^۱ آتش‌بس میان طرفین حاکم شد. اما این آتش‌بس بارها توسط آنها نقض شد. نهایتاً، در سپتامبر ۲۰۲۰، وضعیت برای تجدید جنگ گسترده در قره‌باغ آماده بود. روند انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و شرایط نامناسب اقتصادی در جهان به دلیل شیوع ویروس کرونا توجهات را از منطقه درگیری دور کرد و شرایط مطلوبی را برای آذربایجان جهت بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی خود، به وجود آورد. جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ تحولات قابل‌توجهی در استراتژی‌های نظامی دو کشور از جمله استفاده از ابزارها و تکنولوژی‌های نوین نظامی، ایجاد کرد.

جنگ قره‌باغ صرفاً یک نزاع کوچک بین دو بازیگر کوچک منطقه‌ای نبود، بلکه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله روسیه، ترکیه و رژیم صهیونیستی در این جنگ نقش کلیدی داشتند. در سال ۲۰۲۰، مشارکت استراتژیک بین ترکیه و آذربایجان به اوج خود رسید و ترکیه آماده بود از آذربایجان حمایت سیاسی و استراتژیک کند تا سرزمین‌های از دست‌رفته در اوایل دهه ۱۹۹۰ را پس بگیرد. ترکیه با حمایت از جمهوری آذربایجان در جنگ دوم قره‌باغ تلاش کرد در منطقه قفقاز حضور گسترده‌ای داشته باشد. همچنین جنگ قره‌باغ فرصت خوبی برای ترکیه بود تا سلاح‌های جدید خود را آزمایش کرده و بفروشد و اردوغان نیز این فرصت را داشت تا محبوبیت خود را در ترکیه و جمهوری آذربایجان افزایش دهد. با وقوع جنگ اوکراین و تنش

^۱. Minsk Group

بین روسیه و غرب، تمرکز روسیه نسبت به مسئله قره‌باغ و زنگزور کاهش یافت و بر عکس دست ترکیه برای اعمال نفوذ بیشتر در منطقه قفقاز جنوبی باز شده است.

جمهوری اسلامی ایران نیز برخلاف دهه ۹۰ میلادی که حضور پررنگ در معادلات سیاسی و نظامی قره‌باغ داشت؛ در جنگ دوم قره‌باغ حضور فعالی نداشت و نتوانست به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و کشور همسایه مؤثر واقع شود. گسترش حضور ترکیه در قفقاز جنوبی و پیوند آن با جمهوری آذربایجان که به لحاظ فرهنگی و زبانی اشتراکات زیادی با آذری‌زبانان ایران دارد می‌تواند برای امنیت ملی ایران پیامدهای خطرناکی داشته باشد. علاوه بر این، ایران که مرزهای زیادی با جمهوری آذربایجان دارد، نمی‌تواند نسبت به مسائل سیاسی - امنیتی و حضور بازیگران فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای از جمله رژیم صهیونیستی در مرزهای خود، بی‌تفاوت باشد. برای اتخاذ سیاست خارجی درست و منطقی در قبال تهدیدات اتحاد باکو - آنکارا علیه جمهوری اسلامی ایران، شناخت و درک آن تهدیدات ضروری است. بر همین اساس، پژوهش حاضر به دنبال واکاوی تهدیدات اتحاد باکو - آنکارا بر امنیت ملی ایران در ابعاد مختلف است. سؤال اصلی که در اینجا مطرح می‌شود این است که: اتحاد آنکارا - باکو چگونه و با چه سازوکاری بر امنیت ملی ایران تأثیر می‌گذارد؟ در همین راستا، سؤالات فرعی دیگری نیز مطرح می‌شود از جمله: اتحاد آنکارا - باکو چه پیامدهایی در حوزه سیاسی - امنیتی برای ایران دارد؟ اتحاد آنکارا - باکو در حوزه ژئوکالچر چه پیامدهای امنیتی برای ایران دارد؟ اتحاد آنکارا - باکو چه پیامدهایی در حوزه اقتصاد و ترانزیت انرژی برای ایران دارد؟ در این پژوهش از روش ردیابی فرایند تاریخی - تحلیلی استفاده شده است. این روش امکان بررسی مکانیسم‌های علت معلولی و تغییرات را می‌دهد، و به کمک آن می‌توان سیر اتفاقات و رابطه میان متغیرها را در طول زمان ارزیابی کرد.

۱. پیشینه پژوهش

میناسیان نیلی (2021)^۱ در مقاله «تجلیات ترک محور در همکاری‌های نظامی - سیاسی ترکیه و آذربایجان» به پویایی، اهداف و مقاصد اصلی برقراری روابط نظامی - سیاسی بین ترکیه و آذربایجان اشاره می‌کند. این مقاله با اشاره به بیانیه شوشی، توسعه همکاری‌های نظامی - سیاسی ترکیه و آذربایجان را به‌عنوان بخشی از برنامه‌های هم‌گرایی جهان ترک با محوریت

^۱. Minasyan Nelli

پان ترکیسم معرفی می‌کند. ولادیمیر آواتکوف^۱ (2022) در مقاله‌ای با عنوان «ترکیه و آذربایجان: یک ملت - یک دولت؟» همکاری‌های ترکیه - آذربایجان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، فنی، فرهنگی و بشردوستانه را مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده وحدت آذربایجان و ترکیه در زمینه سیاسی بر اساس قالب‌های دوستی - دشمنی ارزیابی می‌کند و اشاره می‌کند آنکارا و باکو هر دو در حال ایجاد روابط دوستانه با کشورهای ترک آسیای مرکزی هستند. در عین حال، ارمنستان را به‌عنوان یک دشمن مشترک در نظر دارند. مقاله «آیا ترکیه پروژه آسیای مرکزی دارد؟» به قلم سوچو علی امره^۲ و همکاران (2022) نیز به رویکرد فرهنگی ترکیه نسبت به آسیای مرکزی می‌پردازد. استدلال نویسندگان این است که ترکیه سیاست منطقه‌ای خود را در مفهوم جهان ترک از جمله در ارتباط با آذربایجان تعیین می‌کند. در همین راستا، ترکیه توجه ویژه‌ای به نهادینه‌سازی دارد که نمونه موفق آن تأسیس سازمان کشورهای ترک است. با این وجود، ترکیه تنها یک بازیگر ثانویه غیرمنطقه‌ای در آسیای مرکزی است که با استفاده از عناصر تاریخی و فرهنگی درصد نفوذ در منطقه است. احمدخان (2021) در مقاله مروری بر درگیری آذربایجان و ارمنستان با اشاره ویژه به قره‌باغ کوهستانی، نقش ترکیه در جنگ دوم قره‌باغ را بسیار مهم می‌داند. احمدخان استدلال می‌کند ترکیه در گذشته تنها حمایت معنوی از آذربایجان داشت، اما در جنگ دوم قره‌باغ با حمایت نظامی از باکو دامنه دخالت خود را گسترش داد. او حمایت گسترده ترکیه از جمهوری آذربایجان را باهدف احیای امپراتوری عثمانی یا تبدیل شدن به رهبر آینده جهان اسلام ارزیابی می‌کند. النور حسن میکائیل^۳ و همکاران (2019) در مقاله خود با عنوان «روابط اقتصادی و سیاسی ترکیه و آذربایجان» به بررسی روابط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جمهوری آذربایجان و ترکیه می‌پردازند. این مقاله توسعه روابط اقتصادی دو کشور را بین ۱۹۹۰-۲۰۰۵ پوشش می‌دهد. زینب وطن‌خواه و بهرام نوازی (2020) در مقاله‌ای با عنوان «رویکرد ترکیه به بحران ناگورنو قره‌باغ» به این مطلب اشاره می‌کنند که ترکیه در منازعه قره‌باغ به باکو کمک کرد تا پیروز شود و البته این پیروزی در درازمدت نیز به سود خود ترکیه خواهد بود. ترکیه از طریق سیاست‌های پان ترکیسم، جلوگیری از نفوذ ایران و روسیه در منطقه، و مشارکت در تولید نفت آذربایجان و انتقال آن از طریق خاک خود کمک کرد تا جنگ قره‌باغ به سود آذربایجان پایان پذیرد.

1. Vladimir Avatkov

2. Sucu Ali Emre

3. Elnur Hasan Mikail

آثار فوق هرچند دربردارنده نکات ارزشمندی هستند؛ اما هیچ کدام به اتحاد باکو - آنکارا در جنگ دوم قره‌باغ و تهدیدات امنیتی آن برای ایران، اشاره نکرده است؛ بنابراین، پژوهش جدیدی که پیامدهای امنیتی اتحاد باکو - آنکارا در جنگ دوم قره‌باغ را بر امنیت ملی ایران در ابعاد مختلف مورد کنکاش قرار دهد، ضروری است.

۲. چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش پیشرو، بر خوانشی سه سطحی و سه حوزه‌ای از ژئوپلیتیک استوار است. ژئوپلیتیک، در پی تحلیل تأثیرات جغرافیا بر سیاست است. ژئوپلیتیک، درباره چگونگی تأثیر مؤلفه‌های جغرافیایی بر روابط میان دولت‌ها و تلاش برای سلطه جهانی است (Foster, 2006: 44). از این رو، ژئوپلیتیک قدرت، جغرافیا و نظم سلطه جهانی را به هم پیوند می‌دهد و بر نقش محدودیت‌ها و فرصت‌های جغرافیایی در اجرای سیاست تأکید می‌کند. بر همین مبنا، هر کشوری باتوجه به تحولات محیطی با کم‌وکیف متفاوت، با یک سیستمی از تهدید - فرصت‌ها مواجه است. این تهدید - فرصت‌ها در سه حوزه ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر و در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی روی می‌دهند. در این سیستم از تهدید - فرصت‌ها دولت‌ها تلاش می‌کنند تا حد امکان تهدیدات را مهار یا تعدیل کنند و در عوض بیشترین استفاده را از فرصت‌ها ببرند. به بیان دیگر، دولت‌ها سعی در بیشینه‌سازی فرصت‌ها و کمینه‌سازی تهدیدات، دارند. از این رو، نظریه سه سطح سه حوزه‌ای محی‌الدین مصباحی یک خوانش ویژه از ژئوپلیتیک است که یک دید سه‌جانبه از سیستم بین‌المللی با سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و سه حوزه مرتبط به هم و درعین حال متمایز ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر، ارائه می‌دهد (Mesbahi, 2011: 11-12). از این رو، تهدیدات و فرصت‌ها در حوزه‌های مختلف قابلیت تسری پیدا می‌کنند و از سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی به سطح داخلی سرریز می‌شوند و بر عکس. همچنین تهدید - فرصت‌ها در یک حوزه قابلیت تسری به دیگر حوزه‌ها را دارند (Reisinezhad, 2019:7-9).

در این چارچوب، ژئواکونومیک به‌عنوان شاخه‌ای از ژئوپلیتیک مطرح می‌شود و به عبارتی بُعد اقتصادی ژئوپلیتیک است. ژئوپلیتیک شامل سه عنصر جغرافیا، سیاست و قدرت است. اقتصاد از طرفی یکی از ابعاد فضای جغرافیایی و از طرف دیگر یکی از ابعاد قدرت است. ژئوپلیتیک به‌طور ذاتی در دو عنصر از سه عنصر تشکیل‌دهنده خود یعنی جغرافیا و قدرت با اقتصاد پیوند خورده و به آن توجه می‌نماید. بنابراین، چنانچه اقتصاد با قدرت و سیاست پیوند

بخورد و با جغرافیا نیز عجین شود، در حوزه ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد که در این صورت ژئواکونومیک به‌عنوان بُعد اقتصادی ژئوپلیتیک مطرح می‌شود (مختاری هشی، ۱۳۹۷: ۵۶). اصطلاح ژئوکالچر نیز از دو واژه ژئو به معنی زمین و کالچر به معنی فرهنگ تشکیل یافته است. ژئوکالچر به این موضوع می‌پردازد که چگونه یک دولت از پیوندهای فرهنگی خود مانند پیوندهای مذهبی، تاریخی، زبانی یا قومی با سایر کشورها در تعقیب منافع سیاسی - اقتصادی استفاده می‌کند. در حقیقت، ژئوپلیتیک نوین، ترکیبی از مفاهیم ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر است (کرانی، ۱۳۹۸: ۴۵).

ترکیه با استفاده از پیوندهای زبانی و فرهنگی با جمهوری آذربایجان به دنبال تعمیق روابط با این کشور است و در این راستا با حمایت از باکو در جنگ قره‌باغ در سپتامبر ۲۰۲۰ ترکیبی از اهداف ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر را دنبال می‌کند. از منظر ژئوکالچر رقابت ترکی - ایرانی به نیمه دوم قرن دهم ه.ق برمی‌گردد که در آن زمان ترکان عثمانی علیه حکومت صفویه وارد جنگ شدند و رقابت بین حکومت‌های ایرانی و عثمانی تا قرن نوزدهم میلادی نیز ادامه داشت؛ بنابراین، با یک نگاه تاریخی - فرهنگی به روابط دو کشور می‌توان رقابت فعلی آن‌ها را در امتداد رقابت‌های ایرانی - ترکی / شیعی - سنی / صفوی - عثمانی دانست. از منظر ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ترکیه بر آن است تا از طریق دسترسی به انرژی حوزه قفقاز و خزر ضمن تأمین نیاز خود به انرژی کنترل جریان انتقال انرژی به سمت اروپا را در دست گیرد تا از این طریق ضمن بالابردن وزن ژئوپلیتیکی خود در روابط با اروپا از اهمیت ژئوپلیتیکی قدرت‌های رقیب منطقه‌ای (ایران و روسیه) بکاهد. علاوه بر این، ترکیه در یک رقابت ژئوپلیتیکی درصدد کنارگذاشتن ایران از مسیر کمربند - راه چین است تا از این طریق اهمیت ژئوپلیتیکی ایران به‌عنوان پیونددهنده شرق - غرب را کاهش دهد و خود را به محور تبادلات شرقی-غربی تبدیل کند. از منظر ژئوپلیتیکی، ترکیه جمهوری آذربایجان را دروازه ورود خود به آسیای مرکزی می‌داند. در همین راستا، احمد داوود اوغلو اشاره می‌کند حوزه خزر در دستیابی و گشودن مسیر ترکیه به آسیای مرکزی نقش کلیدی دارد (داوود اوغلو، ۱۳۹۵: ۱۸۵). این چارچوب نظری یک ارتباط مستقیم و مطمئنی بین سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی با یک تحلیل عمیق از حوزه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر ارائه می‌دهد.

۳. تاریخچه روابط باکو - آنکارا

عثمانی در پایان جنگ جهانی اول شکست خورد و مستعمرات خود را از دست داد و ترکیه در نتیجه قرارداد لوزان^۱ در سال ۱۹۲۳ از خاکستر عثمانی برخاست. جمهوری آذربایجان نیز نخستین بار در ۲۸ مه ۱۹۱۸ توسط حزب مساوات با حمایت‌های عثمانی تاسیس شد. در طول جنگ سرد، ترکیه به‌عنوان سنگری حیاتی در برابر گسترش قدرت نظامی شوروی به‌مدیترانه و خاورمیانه عمل می‌کرد (Larrabee, 2010: 157) و تنها از طریق برقراری تماس‌های محدوده فرهنگی و اقتصادی، با قفقاز جنوبی ارتباط داشت (بزرگمهری و طباطبایی، ۱۳۹۶: ۱۲۵). بعد از فروپاشی شوروی و شکل‌گیری سه جمهوری آذربایجان، گرجستان و ارمنستان در قفقاز جنوبی، ترکیه اولین کشوری بود که استقلال جمهوری آذربایجان را در ۹ نوامبر به رسمیت شناخت (Aydin, 2002: 39).

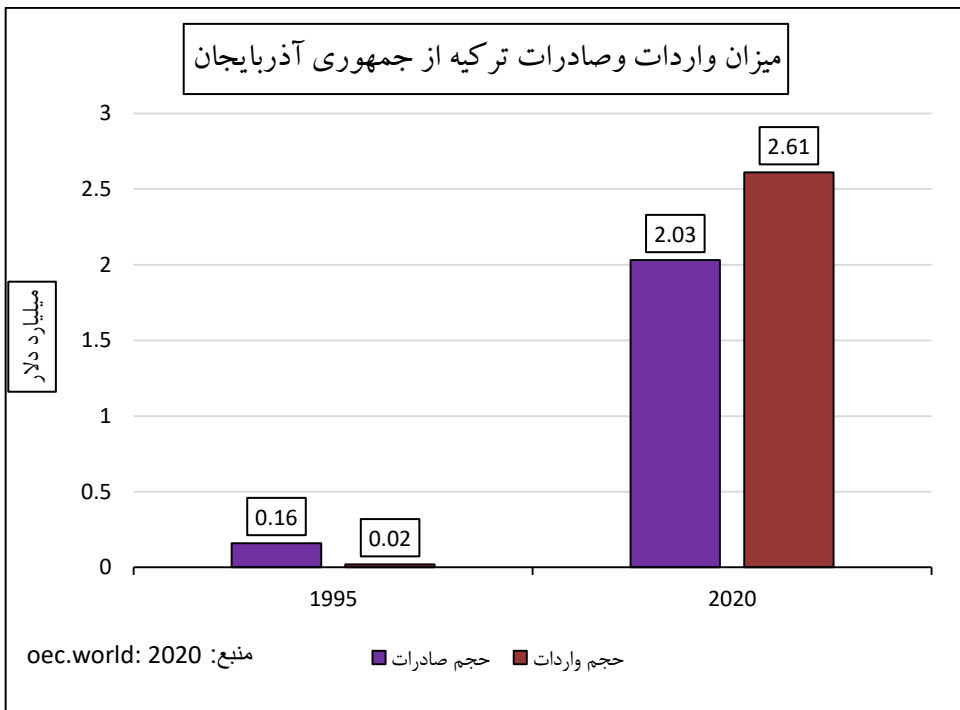
با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، تحت‌تأثیر دیدگاه داوود اوغلو ارتباط گسترده با محیط پیرامونی در دستور کار مقامات ترکیه قرار گرفت. از این‌رو، ترکیه تلاش کرد تا نفوذ خود را در قفقاز جنوبی افزایش دهد. برای رسیدن به این هدف آذربایجان به‌عنوان کلید دست‌یافتن ترکیه به این منطقه و منابع آن بود. زمینه‌های مشترک فرهنگی و زبانی میان دو کشور ترکیه و آذربایجان عامل تسریع‌کننده و مهمی برای ترکیه در جهت توسعه نفوذ در منطقه محسوب می‌شد. بر همین اساس، ترکیه روابط مستحکمی را با این کشور برقرار کرد (فلاح پیشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۵). روابط آنکارا-باکو، بعد از جنگ قره‌باغ عمق بیشتری پیدا کرده است. داوود اوغلو بیان می‌کند قفقاز جنوبی پس از فروپاشی شوروی در دیدگاه ترکیه به‌مثابه دروازه گشوده شده به آسیای مرکزی تلقی می‌شود (داوود اوغلو، ۱۳۹۵: ۱۲۹). ترکیه برای گسترش فضای استراتژیک خود، حرکت به سمت آسیای مرکزی را که ایستگاه اول آن جمهوری آذربایجان است، دنبال می‌کند.

رشد اقتصادی ترکیه در چهار دهه گذشته سبب افزایش تقاضای این کشور برای منابع انرژی شده است. ترکیه نه‌تنها با دغدغه تأمین انرژی مواجه است؛ بلکه مسیرهای ایمن و قابل‌اعتماد برای انتقال انرژی نیز یک موضوع بسیار مهم برای این کشور محسوب می‌شود. آنکارا برای ۹۸ درصد کل مصرف خود به منابع گاز وارداتی وابسته است که بیشتر توسط روسیه، ایران، آذربایجان تأمین می‌شود (Huseynov, 2017: 337). در سال ۲۰۲۰، آذربایجان

^۱. Treaty of Lausanne

۲.۶۱ میلیارد دلار به ترکیه صادرات داشت. عمده‌ترین محصولات صادر شده از آذربایجان به ترکیه عبارت‌اند از: گاز (۱.۹ میلیارد دلار)، نفت خام (۲۲۵ میلیون دلار) و پنبه خام (۱۲۲ میلیون دلار). طی ۲۵ سال گذشته صادرات آذربایجان به ترکیه با نرخ سالانه ۲۱.۳٪ افزایش یافته است که از ۲۰.۹ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ به ۲.۶۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ رسیده است. و صادرات ترکیه به آذربایجان نیز با نرخ سالانه ۱۰.۷٪ درصد افزایش یافته است که از ۱۶۱ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ به ۲.۰۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ رسیده است (OECD World, 2022).

نمودار زیر افزایش حجم تجارت ترکیه با جمهوری آذربایجان را در سال ۲۰۲۰ نسبت به ۱۹۹۵ نشان می‌دهد.



۴. جنگ دوم قره‌باغ

جنگ آذربایجان و ارمنستان در سال ۲۰۲۰ دو مرحله داشت. مرحله اول در ۱۲ ژوئیه با حملات ارمنی‌ها در منطقه مرزی تووز^۱ آغاز شد. مرحله دوم جنگ که شعله‌ورترین درگیری نظامی بین ارمنستان و آذربایجان بود، از ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ آغاز شد که از آن تحت عنوان «جنگ چهل و چهار روزه» یا «جنگ دوم قره‌باغ» یاد می‌شود. این جنگ به لحاظ سلاح‌های مورد استفاده و تعداد جان‌باختگان (حدافل ۶۰۰۰ نفر از هر دو طرف) در بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان بی‌سابقه بود. در این جنگ از سلاح‌های پیشرفته مانند پهپادهای بدون سرنشین ساخت ترکیه و پهپادهای شناسایی و گشتی ساخت رژیم صهیونیستی، استفاده شد. علاوه بر این، این جنگ از دو جنبه «جنگ اطلاعاتی» و «به‌کارگیری مزدوران توسط ترکیه» فراتر از یک جنگ سنتی بود (Ashur, 2021 : 10-11).

اگرچه مرحله فعال درگیری در سال ۱۹۹۴ با امضای توافق‌نامه آتش‌بس در بیشکک^۲ به پایان رسید، اما نقض آتش‌بس اغلب در بین نیروهای مسلح ارمنستان و آذربایجان رایج بوده است. در آوریل ۲۰۱۶، تشدید درگیری موسوم به جنگ چهارروزه، جان بیش از صد سرباز از هر دو طرف را گرفت (Vatankhah & Navazeni, 2020: 21). درگیری ۲۰۱۶ نوعی پیام بود مبنی بر اینکه اگر اختلافات بین دو طرف به زودی حل نشود، جنگ اجتناب‌ناپذیر است (۲: Ibrahimova & Oztarsu, 2022). در جنگ دوم قره‌باغ، جمهوری آذربایجان با کمک بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از جمله ترکیه و رژیم صهیونیستی موفق شد مناطقی که در جنگ اول قره‌باغ (۱۹۹۱-۱۹۹۴) از دست داده بود را پس بگیرد. نهایتاً با سقوط شهر شوشی^۳ در قلمرو ناحیه قره‌باغ، «قرارداد آتش‌بس مسکو» به درگیری‌ها پایان داد. بر اساس این قرارداد ۹ ماده‌ای آذربایجان کنترل سرزمین‌های آزاد شده در جریان جنگ ۲۰۲۰ را در دست گرفت، گذرگاه لاجین^۴ برای دسترسی ارمنستان به قره‌باغ کوهستانی با استقرار ۱۹۶۰ نیروی حافظ صلح روس به طول ۵ کیلومتر و به مدت ۵ سال، طراحی شد. سایر مناطق اشغالی آذربایجان در جنگ اول قره‌باغ شامل کلبرج^۵، آغدام^۶ و لاجین تخلیه و تحویل آذربایجان شد و نهایتاً در ماده ۹ قرارداد،

1. Tovuz

2. Bishkek

۳. این شهر در بین ارمنی‌ها به شوشی (Shushi) و در نزد آذری‌ها به شوشا (Shusha) معروف است.

4. Lachin

5. Kalbajar

6. Aghdam

طرح احداث گذرگاهی از خاک ارمنستان (در مرز با ایران) برای دسترسی جمهوری آذربایجان به منطقه نخجوان به تصویب رسید (Republic of Azerbaijan Ministry of Foreign Affairs, 2020). هرچند با این آتش‌بس، آتش جنگ قره‌باغ خاموش شد، اما وضعیت قره‌باغ همچنان حل نشده باقی‌مانده است. با تغییر در توازن قدرت بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان هر لحظه می‌توان شاهد شعله‌ور شدن مجدد آتش جنگ در قره‌باغ بود.

ترکیه سابقه تاریخی دخالت و تأثیرگذاری بر تحولات منطقه قفقاز جنوبی را دارد اما مشارکت گسترده آنکارا در جنگ ۲۰۲۰ که گویی یک طرف جنگ است، پدیده‌ای کاملاً جدید است. رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه بعد از آغاز جنگ قره‌باغ اعلام کرد: «ملت ترکیه با تمام امکانات در کنار برادران آذربایجانی خود ایستاده و هم‌بستگی خود را تقویت می‌کند» مولود چاووش وزیر امور خارجه ترکیه نیز اعلام کرد که ما به هر صورتی که آذربایجان بخواهد در کنار آن خواهیم بود. وزیر امور خارجه ترکیه افزود: «ما هم در میدان و هم روی میز در کنار آذربایجان عزیز هستیم». چاووش‌اوغلو همچنین تصریح کرد که ترکیه و آذربایجان را حتی می‌توان در صورت لزوم به‌عنوان «یک کشور» به حساب آورد (Anadolu Agency, 2020). ابعاد حمایت‌های ترکیه از باکو در جنگ قره‌باغ به بُعد دیپلماتیک محدود نشد، آنکارا با مسلح کردن باکو به تجهیزات نظامی از جمله پهپادهای بدون سرنشین، به‌کارگیری تروریست‌های تکفیری و آموزش افسران نظامی باکو، به‌صورت همه‌جانبه از جمهوری آذربایجان حمایت کرد. حمایت آنکارا از باکو در مقایسه با درگیری‌های قبلی به میزان قابل توجهی افزایش یافت که در تعیین نتایج درگیری‌ها به نفع باکو، تأثیرگذار بود (Dadparvar & Azizi, 2020:479). نقش ترکیه در جنگ قره‌باغ تا حدی برجسته است که پاشینیان^۱ نخست‌وزیر ارمنستان این جنگ را «حمله ترکیه به قفقاز جنوبی پس از صدسال برای ادامه نسل‌کشی ارمنه» خوانده است (The Prime Minister of the Republic of Armenia, 2020) آنکارا با دخالت نظامی در جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰، در تلاش است تا نفوذ خود را بر منطقه قفقاز جنوبی افزایش دهد که می‌تواند منجر به وابستگی بیشتر آذربایجان به ترکیه نسبت به ایران و روسیه شود (Coskun & Spicer, 2020). در واقع، پشتیبانی همه‌جانبه ترکیه از جمهوری آذربایجان در جنگ قره‌باغ، سرمایه‌گذاری تاریخی آنکارا در جهت توسعه هر چه بیشتر روابط با باکو و تعمیق نفوذ در آن کشور تلقی می‌شود که بدون دادن هزینه سنگین، سال‌ها از آن بهره خواهد برد. جدول زیر

^۱. Pashinyan

مهم‌ترین اهداف ترکیه در اتحاد با جمهوری آذربایجان در جنگ قره‌باغ را در سه حوزه ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچر نشان می‌دهد.

اهداف	حوزه
<p>ورود به فعالیت‌های دیپلماتیک در قفقاز جنوبی</p> <p>تعمیق بیشتر نفوذ در جمهوری آذربایجان</p> <p>تقویت موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی</p> <p>اتصال ترکیه به دریای خزر و کشورهای آسیای مرکزی از طریق قفقاز جنوبی</p> <p>تلاش برای کسب موقعیت ممتاز در مسیر ابتکار کمربند - راه نسبت به رقبا به‌ویژه ایران</p> <p>تلاش برای ایجاد دالان زنگزور</p>	ژئوپلیتیکی
<p>دسترسی به انرژی و تأمین انرژی خود</p> <p>حفاظت از امنیت خطوط انرژی</p> <p>ترکی‌سازی خطوط لوله و مسیرهای ترانزیتی</p> <p>اجرای طرح‌های ترانزیت بلندپروازانه نظیر: ایجاد دالان زنگزور، کریدور راه لاجورد، عملیاتی کردن پروژه ترانس خزر</p> <p>فروش تسلیحات نظامی به آذربایجان</p> <p>کسب دستاوردهای بیشتر نسبت به رقبا منطقه‌ای به‌ویژه ایران</p>	ژئواکونومیک
<p>تبلیغ و ترویج ایدئولوژی پان‌ترکیسم</p> <p>دنبال کردن رؤیای برپایی امپراتوری</p> <p>ایجاد همبستگی در شورای ترکی و ارتقا آن به سازمان کشورهای جهان ترک</p> <p>ایجاد همبستگی با جمهوری آذربایجان و بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی</p>	ژئوکالچر

۵. موضع ایران در خصوص جنگ قره‌باغ

قفقاز جنوبی به لحاظ ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی - امنیتی و فرهنگی برای ایران دارای اهمیت است. این منطقه متأثر از منازعات قومی، مذهبی، اختلافات کشورهای منطقه با یکدیگر و نفوذ بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شرایط شکننده‌ای دارد که با توجه به نزدیکی جغرافیایی و پیوندهای قومی و مذهبی با ایران هر گونه درگیری در این منطقه منافع و امنیت

ملی ایران را تحت تأثیر می‌گذارد (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۶: ۱۱-۱۲). جمهوری اسلامی ایران در مارس ۱۹۹۲ در خلال جنگ اول قره‌باغ، هیئت‌های بلندپایه ارمنستان و جمهوری آذربایجان را برای مذاکره به تهران دعوت کرد. بدین ترتیب، این شروع میانجی‌گری ایران در جنگ قره‌باغ بود. در این مذاکرات، آتش‌بس موقت، استقرار نیروهای ناظر، تبادل اسرای جنگی و اجساد، مورد بحث قرار گرفت. در نتیجه، بیانیه‌ای در مورد حل‌وفصل مناقشه در ۱۵ مارس توسط هیئت‌های حاضر در تهران امضا شد. علی‌رغم امضای اعلامیه مشترک برای برقراری ثبات در منطقه، جنگ ادامه یافت و حتی شدت نیز گرفت (Ramezanzadeh, 1996). بدین ترتیب، در جنگ اول قره‌باغ میانجیگری جمهوری اسلامی کارساز واقع نشد و نهایتاً با وساطت گروه مینسک آتش‌بس بین طرفین برقرار گردید.

میدان جنگ دوم قره‌باغ نیز جدار مرزی ایران بود. از این‌رو، تهران نسبت به این جنگ نگرانی‌های خود را به طرفین گوشزد کرد و همواره طرفین را به آتش‌بس و خویشتن‌داری دعوت می‌کرد. در جنگ دوم قره‌باغ همانند جنگ اول جمهوری اسلامی ایران سیاست بی‌طرفی را اتخاذ کرد و در صدد میانجیگری بین طرفین و فیصله‌دادن به این جنگ برآمد. در همین راستا، محمدجواد ظریف وزیر وقت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در گفتگوی تلفنی با وزرای خارجه جمهوری آذربایجان و ارمنستان، طرفین را به خویشتن‌داری و آتش‌بس دعوت کرد. همچنین آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای استفاده از تمام ظرفیت‌های خود به‌منظور برقراری آتش‌بس و استقرار صلح و آرمش را به دو طرف اعلام کرد (وزارت امور خارجه، ۱۳۹۹). وزارت خارجه ایران برای پایان درگیری بین باکو و ایروان، طرح پیشنهادی صلح خود را به طرفین ارائه داد. طرح ایران در فرمت ۳ + ۳ پیشنهاد شد که شامل سه جمهوری قفقاز جنوبی ارمنستان، آذربایجان و گرجستان و همچنین سه بازیگر منطقه‌ای ایران، روسیه و ترکیه را شامل می‌شد. عباس عراقچی معاون وقت وزیر امور خارجه ایران به‌عنوان فرستاده ویژه تهران به‌منظور پیشبرد طرح پیشنهادی ایران برای پایان‌دادن به جنگ قره‌باغ در ۷ آبان ۱۳۹۹ به باکو، مسکو، ایروان و آنکارا سفر کرد (Tehran times, 2020). موضع‌گیری‌های رسمی ایران از تریبون‌های دولت و وزارت خارجه نیز بر همین موضع استوار بود که درگیری باید متوقف شود و اختلافات از طریق گفت‌وگو حل شوند.

جمهوری اسلامی برای حمایت از هر یک از طرفین جنگ محدودیت‌هایی داشت. از یک‌سو، روابط ایران و جمهوری آذربایجان دارای مسائل و دغدغه‌های گوناگون است که در پرتو آن، در

کنار همکاری، بی‌اعتمادی و سوءظن نیز به پارادایم حاکم بر روابط دو کشور تبدیل شده است. قوم‌گرایی، حضور پررنگ رژیم صهیونیستی و آمریکا در آذربایجان و فعالیت‌های آنها، اختلافات عمیق در مورد تقسیم دریای خزر و مسائل انرژی و همچنین نظامی‌گری در آن، درگیری‌های مرزی پراکنده و جهت‌گیری‌های ضدایرانی باکو، مناسبات ایران و آذربایجان را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. همچنین مذهب و قومیت بیش از آن که به‌عنوان عوامل هم‌گرایی در روابط بین آذربایجان و ایران کمک کرده باشد، سبب واگرایی و سوءظن در روابط دو کشور شده است. به لحاظ مذهبی، هرچند اکثریت جمعیت جمهوری آذربایجان را شیعیان تشکیل داده‌اند اما تشیع هیچ‌گاه موجب هم‌گرایی و نزدیکی دیدگاه دو کشور نشده است. حکومت سکولار جمهوری آذربایجان، ایران شیعه و اسلام سیاسی را تهدیدی برای بقای حکومت خود می‌داند. از این‌رو، باکو به‌جای وحدت اسلامی بر ملی‌گرایی آذری تأکید می‌کند و به دنبال حذف مذهب از محیط سیاسی خود بوده است؛ این کشور معمولاً ایران را به پشتیبانی از روحانیون شیعه در آذربایجان متهم می‌کند و ادعا می‌کند که هدف تهران، براندازی حکومت علی‌اف است (Jenkins, 2012 : 45-49) از سوی دیگر، جمهوری اسلامی برای حمایت از ارمنستان با دو چالش جدی مواجه است. اول اینکه، طبق اصل ۱۵۲ قانون اساسی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب، استوار است. از این‌رو، جمهوری اسلامی ایران در نزاع بین جمهوری آذربایجان مسلمان و ارمنستان مسیحی برای حمایت از ارمنستان محدودیت داشت. دوم، هر گونه حمایت جمهوری اسلامی از ارمنستان سبب رنجش آذری‌زبانان ایران که پیوندهای قومی - زبانی با کشور جمهوری آذربایجان دارند، می‌شد. بنابراین، جمهوری اسلامی سیاست بی‌طرفی و فیصله‌دادن به جنگ را در دستور کار قرارداد.

استراتژی بی‌طرفی ایران در جنگ قره‌باغ از نوع «مثبت» بود. در بی‌طرفی مثبت برخلاف بی‌طرفی منفی که دولت بی‌طرف نقش منفعلانه‌ای دارد، دولت بی‌طرف از ورود به جنگ پرهیز می‌کند و درعین حال، تلاش می‌کند بین طرفین درگیری، میانجی‌گری کند و از ورود سایرین به جنگ جلوگیری کند (قوام، ۱۳۹۰: ۱۷۰). دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ همانند جنگ اول قره‌باغ (۱۹۹۱-۱۹۹۴) فعال بود. اما در مذاکرات توافق آتش‌بس تهران جایگاهی نداشت. عوامل زیادی در ناکامی سیاست خارجی ایران در میانجی‌گری در جنگ قره‌باغ

تأثیر داشتند که به‌طور خلاصه می‌توان دلایل آن را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ردیابی کرد. در سطح داخلی عواملی از جمله: عدم اجماع در سیاست خارجی، نگاه ثانویه جمهوری اسلامی به قفقاز جنوبی و مسئله قومیت، مؤثر بودند. در سطح منطقه‌ای، عواملی همچون حضور پررنگ ترکیه و رژیم صهیونیستی در جنگ دوم قره‌باغ، سوءظن در روابط ایران و جمهوری آذربایجان و ایجاد محدودیت از سوی روسیه، تأثیرگذار بودند و در سطح بین‌المللی، می‌توان به تنش در روابط جمهوری اسلامی ایران و امریکا و تحریم‌های اقتصادی اشاره کرد.

۶. اتحاد باکو - آنکارا در جنگ دوم قره‌باغ و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران

در جنگ قره‌باغ بعید است بتوان جایگاهی برای منفعت‌طلبی ایران در حمایت از هر یک از طرفین درگیری پیدا کرد. چه قره‌باغ به خاک آذربایجان افزوده بشود و چه نشود، این جنگ باتوجه به نزدیکی جغرافیایی با مرزهای ایران، اثرات منفی آن به‌صورت مستقیم معطوف به ایران خواهد بود. در ادامه مهم‌ترین تهدیدات جنگ دوم قره‌باغ برای امنیت ملی ایران بررسی می‌شود.

۶-۱. حوزه ژئوپلیتیک

۶-۱-۱. به‌کارگیری تروریست‌ها در جنگ قره‌باغ

برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که ترکیه در لوای حمایت از جمهوری آذربایجان هم نیروهای خود و هم جنگجویان تکفیری را وارد این کشور نموده است. دیده‌بان حقوق بشر سوریه گزارش داد تعداد مزدوران سوری که به جبهه‌های نبرد در قره‌باغ کوهستانی بکار گرفته شدند به ۲۳۵۰ مرد مسلح رسیده است. این دیده‌بان در ادامه افزود تعداد کشته‌شدگان مزدوران سوری از زمانی که توسط دولت ترکیه وارد صفوف اول نبرد قره‌باغ شدند، یعنی از اواخر سپتامبر ۲۰۲۰، حداقل به ۲۳۱ کشته رسیده است (Reuters Yerevan, 2020). به‌کارگیری گروه‌های جنگجو تروریستی در مجاورت مرزی ایران که سابقه جنگیدن با نیروهای مستشاری ایران در سوریه را دارند، منجر به ناامن شدن مرزهای شمالی خواهد شد. «جبهه النصره»، «فرقه حمزه» و «سلطان مراد» از مهم‌ترین این گروه‌ها به شمار می‌آیند (Isachenko, 2020).

۶-۱-۲. همکاری آنکارا - باکو - تل آویو

ترکیه و رژیم صهیونیستی در جریان جنگ دوم قره‌باغ در راستای آزادسازی سرزمین‌های اشغالی جمهوری آذربایجان کمک‌های مهمی به باکو کردند. هواپیمای جنگی بدون سرنشین ترکیه و پهپادهای بدون سرنشین هاروپ^۱ رژیم صهیونیستی در شکستن خط دفاعی ارتش ارمنستان نقش مهمی داشتند. قبل از جنگ قره‌باغ، آذربایجان تقریباً ۱۲۰ پهپاد تاکتیکی^۲ و ۵۰۰ پهپاد کامیکازه^۳ در دسترس داشت که اکثر آن‌ها اسرائیلی بودند (Delanoë, 2021). آذربایجان به‌طور مؤثر از فن‌آوری‌های مدرن هر دو کشور استفاده کرد. هماهنگی موفقیت‌آمیز در استفاده از پهپادهای ترکیه و رژیم صهیونیستی در طول جنگ، این احتمال را تقویت می‌کند که ارتباط مستقیم بین متخصصان ترک و رژیم صهیونیستی با جمهوری آذربایجان در جنگ قره‌باغ وجود داشت. علاوه بر این، ترکیه در طول جنگ به رژیم صهیونیستی اجازه داد تا تجهیزات خود را از طریق حریم هوایی ترکیه به آذربایجان بفرستد (Idan & Shaffer, 2021). (203 روزنامه هآرتس^۴ در خصوص پیوند ترکیه - رژیم صهیونیستی - جمهوری آذربایجان، ضمن تأکید بر رقابت تاریخی ایرانی - عثمانی، ابراز امیدواری کرد که همکاری ترکیه با رژیم صهیونیستی شکاف بین آنکارا و تهران را بیشتر کند (Haaretz, 2020). سلیمان سیفی اوغون استاد علوم سیاسی دانشگاه اولوداغ ترکیه در روزنامه ینی شفق مقاله‌ای منتشر کرد و به مقامات آنکارا هشدار داد که در بازی رژیم صهیونیستی گرفتار نشوند. او مدعی بود آن چیزی که این رژیم می‌خواهد؛ پروژه درگیر کردن ترکیه با ایران است. درحالی‌که نه ترکیه و نه ایران آن را نمی‌پذیرند. وی در ادامه تأکید می‌کند: «من تأکید می‌کنم که اسرائیل می‌کوشد تا گروه‌های قومی را در ایران تحریک کند و جنگ ترکیه را با ایران راه بیندازد» (Seyfi Oğun, 2021). لازم به ذکر است که مقاصد ترکیه و رژیم صهیونیستی در حمایت از جمهوری آذربایجان و حضور در نواحی مرزی ایران با یکدیگر متفاوت است، رژیم صهیونیستی به دنبال تجزیه و ضربه‌زدن به ایران به‌عنوان دشمن است، اما ترکیه به‌عنوان رقیب ایران می‌خواهد نفوذ منطقه‌ای تهران را تضعیف کند. منافع مشترک میان ترکیه، رژیم صهیونیستی و آذربایجان احتمالاً موجب افزایش همکاری سه‌جانبه بین این سه کشور در آینده خواهد شد.

1. Harop

2. Tactical drone

3. kamikaze drone

4. Haaretz

۳-۱-۶. تلاش برای احیای طرح گوبل^۱ و انسداد مرز زمینی ۳۸ کیلومتری ایران و ارمنستان

طرح موسوم به گوبل در اواخر دهه ۱۹۹۰ برای نخستین بار توسط پاول گوبل مشاور اسبق وزارت خارجه آمریکا در امور ملیت‌های شوروی در مقاله‌ای با عنوان «چگونه می‌توان از عهده بحران قره‌باغ برآمد؟» (Goble, 1992: 26). مطابق این طرح، سرزمین‌های جنوب ارمنستان در مرز با ایران به جمهوری آذربایجان واگذار می‌شد تا خاک اصلی این کشور به نخجوان وصل شود و در مقابل، بخشی از قره‌باغ به ارمنستان واگذار می‌شد. ترکیه و باکو بعد از جنگ قره‌باغ به بهانه‌ی اجرایی کردن ماده ۹ توافق آتش‌بس، سعی در احیای این طرح داشتند. در ماده ۹ توافق آتش‌بس بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان که با وساطت روسیه صورت گرفت به ایجاد خط ترانزیت بین نخجوان و بدنه اصلی جمهوری آذربایجان اشاره شده است که تفسیرهای متفاوتی از سوی باکو و ارمنستان از آن صورت گرفته است.

ایجاد دالان زنگرور برای ترکیه اهمیت راهبردی دارد که می‌تواند موقعیت آنکارا را در ارتباط با باکو تقویت کند. این گذرگاه علاوه بر اینکه برای اولین بار زمینه‌های برقراری ارتباط زمینی میان ترکیه و آذربایجان را فراهم می‌کند، از مزیت‌های دیگری نیز برای ترکیه برخوردار است؛ به طوری که برای اولین بار فرصت ایجاد یک خط ارتباطی بین ترکیه تا باکو و از آنجا به سمت آسیای مرکزی را فراهم می‌کند. در واقع، به لطف این گذرگاه ژئوپلیتیکی زمینی است که ترکیه خود را در مرحله تازه‌ای از نفوذ در سطوح چندگانه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در جمهوری آذربایجان و جمهوری‌های آسیای مرکزی می‌بیند. در حقیقت، ترکیه سعی می‌کند شرایطی برای ایران به وجود بیاورد که ایران برای دسترسی زمینی به اروپا، نیازمند عبور از قلمرو ترکیه باشد، اما ترکیه برای دسترسی به آسیای مرکزی نیازمند عبور از خاک ایران نباشد. ترکیه برای دسترسی به آسیای مرکزی و افغانستان می‌خواهد ایران را دور بزند و نتیجه این خواهد بود که آنکارا از توان ایران به عنوان رقیب منطقه‌ای خود می‌کاهد و بر وزن خود به عنوان مهم‌ترین حلقه در زنجیره راه ابریشم نوین می‌افزاید (رئیس‌ی نژاد، ۱۴۰۱، ۱۹۵-۱۱۹).

۴-۱-۶. امکان سرریزی جنگ به داخل ایران

سه ناحیه زنگیلان، فضولی و جیراییل که تحت اشغال ارمنستان بود و جمهوری آذربایجان برای آزادسازی آن تلاش می‌کرد، در مجاورت مرزی ایران بودند. بر همین اساس، نزدیکی با میدان جنگ

^۱. Goble

خطراتی برای مناطق مرزی ایران به همراه داشت. به گزارش خبرگزاری مهر، برخی از ساکنین شهر اصلاندوز به دلیل وحشت کودکان این شهر را ترک کردند. در همین گزارش همچنین آمده است که سد میل مغان که بین دو شهر اصلاندوز مغان و هورادیز واقع شده است، در معرض تهدید تبعات این درگیری قرار گرفته است و خمپاره‌ها به نزدیکی این سد و کانال آن برخورد کرده است (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۹). بر همین اساس، جمهوری اسلامی ایران نگاه کاملاً امنیتی به جنگ قره‌باغ داشت. زیرا این جنگ از یک طرف مرزهای شمالی ایران را بی‌ثبات و ناامن می‌کرد. از سوی دیگر، امکان سرریزی درگیری به استان‌های هم‌مرز با مناطق درگیر جنگ، وجود داشت. در همین راستا، وزارت خارجه ایران درباره سرایت تبعات چالش قره‌باغ به مرزهای ایران، به جمهوری آذربایجان و ارمنستان هشدار داد. سخنگوی وزارت خارجه ایران در این زمینه به دو کشور هشدار جدی داد که هیچ‌گونه تعرضی را تحمل نمی‌کند (وزارت امور خارجه، ۱۳۹۹).

۵-۱-۶. حضور نیروهای نظامی ترکیه در نواحی مرزی ایران

در متن توافق آتش‌بس به حضور نیروهای نظامی ترکیه در منطقه اشاره‌ای نشده است. اما نیروی‌های ترکیه در منطقه نظارت در خاک جمهوری آذربایجان حضور دارند. دیمیتری پسکوف^۱ سخنگوی روسیه از تعامل با سربازان ترکیه از طریق یک مرکز نظارتی در خاک آذربایجان خبر داد (Trejo, 2020). جمهوری اسلامی ایران که یکی از مهم‌ترین قدرت‌های منطقه‌ای در مجاورت محل درگیری بود، در توافق‌نامه بین روسیه و ترکیه برای نظارت بر آتش‌بس مورد توجه قرار نگرفت. از این رو، تهران با بی‌اعتمادی به تعامل ترکیه و روسیه در قفقاز جنوبی می‌نگرد. ایران به ایده مرکز نظارت روسیه و ترکیه که در نوامبر پیشنهاد شد، بدبین بود. اعزام نیروی‌های نظامی ترکیه به جمهوری آذربایجان، می‌تواند پایه و مقدمه‌ای برای احداث پایگاه نظامی بزرگ و اقدامات نظارتی و نظامی بعدی در قره‌باغ و آذربایجان باشد.

۲-۶. حوزه ژئواکونومیک

۱-۲-۶. خارج کردن ایران از کریدورهای منطقه‌ای و بین‌المللی

ترکیه کوشیده است تا برای دستیابی به کریدورهای منطقه‌ای و بین‌المللی قلمرو ایران را دور بزند. یک عامل پنهان ولی بسیار مهم در تداوم و پویایی بحران قره‌باغ برآمدن کریدورهای

^۱. Dmitry Peskov

بین‌المللی شمال - جنوب و به‌ویژه «راه ابریشم نوین»^۱ است که کمر بند زمینی آن پتانسیل گذر از قفقاز را دارد. مسیر دالان تاریخی شمالی (چین - آسیای میانه - ایران - ترکیه / مدیترانه) کمر بند زمینی راه ابریشم نوین قرار است که از ایران بگذرد اما ترکیه تلاش می‌کند تا این مسیر زمینی از ایران عبور نکند و در عوض، به دنبال راه‌اندازی دو «دالان میانی» و «دالان کاسپین» است. دالان میانی از چین وارد قزاقستان شده و از طریق بنادر آکتائو^۲ و کوریک^۳ در شمال شرقی دریای خزر به باکو وصل شده و از آنجا از طریق تفلیس وارد ترکیه می‌شود. دوم، دالان کاسپین است که از آسیای مرکزی به ترکمنستان و از آنجا وارد بندر ترکمن‌باشی^۴ می‌شود. این بندر با سرمایه‌گذاری ۱.۵ میلیارد دلاری هلدینگ ترکیه‌ای «چالیک هلدینگ»^۵ توسعه یافته و یکی از بزرگ‌ترین بندرهای سطح زیر دریا را درست کرده است. دالان کاسپین از آنجا وارد باکو می‌شود و از آنجا به تفلیس و ترکیه می‌رود. این دالان جغرافیای ایران را دور می‌زند و اهمیت ژئوپلیتیکی ایران در ارتباط بین شرق و غرب را کاهش می‌دهد. این امر نشان می‌دهد آنکارا برخلاف وعده‌های دوستی و همکاری‌های ظاهری با تهران، به دنبال دورزدن ایران در مسیر زمینی راه ابریشم نوین و به‌طور کلی تضعیف قدرت ژئواکونومیک ایران در آسیای غربی، آسیای میانه و قفقاز است (رئیس‌ی نژاد، ۱۴۰۰).

۶-۲-۲. راه آهن باکو - تفلیس - قارص (BTK)

پروژه راه آهن باکو - تفلیس - قارص به طول ۸۲۶ کیلومتر ارتباطات اقتصادی، فرهنگی و تجاری بین ترکیه و کشورهای قفقاز را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد. خط آهن باکو - تفلیس - قارص بر اساس توافق‌نامه سه‌جانبه‌ای که در ۷ فوریه ۲۰۰۷ توسط رؤسای جمهور الهام علی‌اف، میخائیل ساکاشویلی^۶ (رئیس‌جمهور اسبق گرجستان) و رجب طیب اردوغان که در آن زمان نخست‌وزیر ترکیه بود، در تفلیس امضا شد، ساخته شده است. در مرحله اولیه، ظرفیت این خط یک میلیون مسافر و ۶.۵ میلیون تن بار در سال است که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۳ به ۱۷ میلیون تن بار در سال برسد (Shahbazov, 2017). راه آهن باکو-تفلیس -

1. New silk Road

2. Aktau

3. Kuryk

4. Turkmenbashi

5. Calik Holding

6. Mikheil Saakashvili

قارص بخشی از یک پروژه جاه طلبانه برای اتصال راه آهن قفقاز جنوبی به اروپا با دورزدن ایران از طریق ترکیه است (Modebadze & Others, 2014:363).

۲-۳-۶. احتمال حذف سوآپ گاز ایران به نخجوان و حذف خط لوله گاز ایران به ترکیه در آینده

حذف سوآپ گاز ایران به نخجوان یکی از تهدیدات قابل توجه در حوزه ژئواکونومیک است. بر اساس قرارداد سوآپ بین باکو و تهران که در سال ۲۰۰۴ امضا شد، گاز نخجوان از طریق ایران تأمین می شود، به این صورت که ایران گاز وارد شده از آستارای جمهوری آذربایجان را مصرف و معادل آن را پس از کسر ۱۵ درصد به عنوان حق ترانزیت، از خط لوله گاز سراسری خود به نخجوان سوآپ می کند. باکو بارها از ایران درخواست کرده است تا حق ترانزیت گاز را کاهش دهد که مورد موافقت تهران قرار نگرفته است (O'Byrne, 2020). جمهوری آذربایجان و ترکیه درصدد ایجاد خط لوله جدیدی به طول ۸۵ کیلومتر از ایغدیر در شرق ترکیه تا صدرک^۱ در نخجوان با ظرفیت سالانه ۵۰۰ میلیون مترمکعب گاز هستند. این پروژه از طریق مشارکت شرکت بازرگانی خط لوله نفت و گاز طبیعی ترکیه و شرکت نفت دولتی آذربایجان سوکار محقق خواهد شد (Hurriyetdailynews, 2020). در صورت نهایی شدن این پروژه، جمهوری اسلامی سود حاصل از سوآپ گاز به نخجوان را از دست خواهد داد. یکی دیگر از زمینه هایی که تهدید علیه منافع اقتصادی ایران محسوب می شود، مطرح شدن بحث دالان زنگرور است که به آذربایجان اجازه می دهد از طریق استان سیونیک^۲ ارمنستان با نخجوان ارتباط برقرار کند. اگر این دالان ایجاد شود، باکو بدون نیاز به ایران انرژی موردنیاز نخجوان را تأمین می کند. همچنین در صورت تحقق دالان زنگرور و اتصال ترکیه به منابع انرژی حوزه خزر و آسیای مرکزی، نیاز این کشور به واردات گاز از ایران نیز مرتفع خواهد شد و در نهایت منجر به دبه کردن ترکیه در خریدهای گازی اش از ایران و توقف واردات گاز از ایران می شود.

۲-۴-۶. کریدور راه لاجورد

آنکارا باتکیه بر اهداف خود برای تشکیل اتحادیه کشورهای ترک زبان، با شعار اتصال این کشورها از ارومچی^۳ چین تا استانبول، «طرح راه لاجورد» را مطرح کرده است که در آن سعی

^۱. sederek

^۲. Syunik

^۳. Urumqi

دارد با اتصال بنادر ترکمن‌باشی ترکمنستان و آکتائو قزاقستان به بندر باکو، جایگاه خود را از طریق پروژه‌های اتصال در منطقه قفقاز جنوبی و گسترش آن به آسیای مرکزی، تثبیت و قوی‌تر کند (Ahmad Rahim, 2019: 75). به عبارت دیگر، ابتکار راه لاجورد همان طرح دورزدن ایران به‌عنوان بهترین و کوتاه‌ترین و به‌صرفه‌ترین مسیر تجارت از شرق به غرب است.

۳-۶. حوزه ژئوکالچر

گسترش نفوذ ترکیه در آذربایجان می‌تواند تنش‌های تازه‌ای را ایجاد کند و به فصل جدیدی در تاریخ منطقه منجر شود. راهبرد آنکارا برای تقویت روابط با باکو، مبتنی است بر پیام پان‌ترکیستی که هدف آن سرمایه‌گذاری بر زبان، تاریخ و فرهنگ مشترک ترک‌زبانان است از آنجایی که ساکنان استان‌های شمال و به‌ویژه شمال غربی ایران، ایرانی‌های ترک‌زبان هستند پیگیری سیاست‌های پان‌ترکی از سوی ترکیه و باکو تهدیدات مهمی را متوجه امنیت ملی ایران می‌کند (Goudarzi & Others, 2015: 124). حمید احمدی پژوهشگر برجسته حوزه قومیت معتقد است پان‌ترکیسم از همان ابتدا ایران، فرهنگ ایرانی و بخش‌هایی از سرزمین ایران را مورد هدف قرار داده است و دعاوی الحاق گرایانه را دنبال می‌کند (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۸۳). پان‌ترکیسم از دیرباز این ادعا را داشته که ترک‌زبانان ایران، جزئی از وطن بزرگ ترک بوده و در ایران تحت ستم به سر می‌برند. اما این ادعا اغلب از سوی آذری‌های ایران مورد توجه قرار نگرفته است. اما باین حال، در دنیای پس از جنگ سرد و سقوط اتحاد جماهیر شوروی، بار دیگر اندیشه پان‌ترکیسم در صدد یورش به ایران برآمده است. در این راستا هدف مشخص پان‌ترکیسم، ایرانی‌زدایی از آذربایجان و تبدیل آذری‌های ایران به «اقلیت ملی» بوده است. از این رو، تمام ابعاد عینی و ذهنی که منجر به حس ایرانی در میان مردم آذربایجان می‌شده است، مورد هدف و حمله قرار گرفته است. با حمله به مذهب شیعه، انکار نقش ملی و تاریخ‌ساز صفویه، ویژگی شیعی آذربایجان را کم‌رنگ می‌سازد و آنان را در زیر سپهر اندیشه‌های اخوانی و در چتر پان عثمانیزم قرار می‌دهد. با حمله و ابراز نفرت علیه زبان فارسی، این زبان را از نقش محوری‌اش در فرهنگ و ادبیات آذربایجان دور می‌سازد. البته اقدامات پان‌ترک‌ها و پان‌آذری‌ها به این موارد محدود نشد، به طوری که آن‌ها حتی روز نوروز را عیدی ترکی می‌دانند. مفاهیمی جعلی هم‌چون «آذربایجان جنوبی» و «شمالی» ابداع می‌کنند و حتی به املائی آذربایجان نیز رحم نمی‌شود و رسم‌الخط آن به شیوه ترکیه عثمانی به «آذربایجان» مبدل می‌شود (بهمنی

قاجار، ۱۳۹۸). پان ترک‌ها با ایجاد روایت‌های ساختگی، ادعا می‌کنند در گذشته آذربایجان یک کشور مستقل بوده است که توسط ایران و روسیه در طی قرارداد ترکمانچای ۱۸۲۸ تقسیم شده و بخش جنوبی آن در اختیار ایران و بخش شمالی آن که اکنون کشوری مستقلی است در اختیار روسیه قرار گرفت. جعل تاریخ به صورت سیستماتیک توسط پان ترک‌ها پیگیری می‌شود و در مدارس و دانشگاه‌ها نیز به این موضوع اشاره می‌کنند (فاطمی نسب، حسینی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). در حالی که به لحاظ تاریخی کشوری که امروزه جمهوری آذربایجان نامیده می‌شود «آران» نام داشت و بخشی از قلمرو ایران بود و در هیچ دوره تاریخی آذربایجان کشور مستقلی نبود و اسم آن در سال ۱۹۱۸ برای اولین بار انتخاب شد که مورد اعتراض دولت ایران نیز قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

جنگ دوم قره‌باغ، در شرایطی اتفاق که بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قفقاز جنوبی درگیر مشکلات بهداشتی، امنیتی و اقتصادی، ناشی از ویروس کرونا بودند. اما با این وجود، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نقش قابل توجهی در این جنگ داشتند. حمایت آنکارا از باکو در این جنگ در مقایسه با درگیری‌های قبلی به میزان قابل توجهی افزایش یافت. اهداف ترکیه در حمایت از باکو در جنگ قره‌باغ را می‌توان در سه بُعد ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومیک بررسی کرد. در بعد ژئوپلیتیک ترکیه به دنبال تغییر نظم موجود در قفقاز و در گام بعدی باهدف کم‌رنگ نمودن نقش ایران به همراه روسیه و کسب و تقویت موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی خود، بود. در بعد ژئوکالچر، آنکارا به دنبال ایجاد همبستگی بین آنچه خود جهان ترک می‌نامد است. مهم‌ترین عامل پیوند ترک‌ها در جهان، اشتراکات زبانی آن‌هاست و در بین گویش‌های ترکی، گویش آذری نزدیک‌تر از بقیه به زبان ترکی استانبولی است. از این جهت جمهوری آذربایجان نزدیک‌ترین کشور ترک‌زبان به ترکیه به شمار می‌رود و این مسئله، باعث توجه ویژه آنکارا به باکو شده است. در بعد ژئواکونومیک، می‌توان به خطوط لوله نفت و گاز میان دو کشور، همکاری‌های گسترده اقتصادی باکو و آنکارا، همسایگی ترکیه با نخجوان و برنامه ارتباط ریلی باکو با نخجوان از طریق ادامه خط آهن باکو - تفلیس - قارص، تأمین امنیت انرژی و کاهش وابستگی به انرژی روسیه و ایران به‌عنوان مهم‌ترین عوامل سوق‌دهنده ترکیه به سمت حمایت همه‌جانبه از باکو، اشاره نمود.

جاه‌طلبی‌های ترکیه برای تبدیل طرح پان‌ترکیسم به واقعیت بعد از پیروزی در جنگ قره‌باغ قوی‌تر شده است. در حقیقت، یکی از عوامل اصلی اصرار ترکیه و آذربایجان برای ایجاد کریدور زنگزور، پروژه پان‌ترکیسم است. در صورت احداث این کریدور با پهنای ۸ کیلومتر و با نظارت ترکیه و جمهوری آذربایجان، تبعات بسیار پررنگ اقتصادی، مرزی، ترانزیتی و امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران به دنبال خواهد داشت. در همین رابطه مقامات ترکیه و جمهوری آذربایجان از طرحشان برای ایجاد کریدور بزرگ‌تر تورانی و پان‌ترکیستی و در نهایت ایجاد ترکستان بزرگ صحبت می‌کنند که کل خاک جمهوری ارمنستان و مناطق ترک‌نشین شمال و شمال غربی ایران را هم در خود می‌بلعد؛ لذا افزون بر تبعات مخرب یاد شده، باید آثار منفی امنیتی ناشی از تضاد قومیتی و اجتماعی را برای ایران در نظر گرفت که به شکل بسیار پررنگی دامن کشور را می‌گیرد. در حقیقت، هدف جنگ دوم قره‌باغ در ژئوپلیتیک راه ترکیه، گشودن دروازه‌ای از آناتولی به سوی آسیای میانه بود. بر همین مبنا بود که سویه عملیات جای جنگ قره‌باغ بیش از آنکه متوجه سرزمین قره‌باغ و نواحی شمالی آن باشد، معطوف به نواحی جنوبی به‌منظور دسترسی به نخجوان بود. جمهوری اسلامی ایران سال‌هاست که تمرکز خود را بر جنوب غربی آسیا معطوف کرده و از قفقاز جنوبی غافل شده و یک سیاست مدون، جدی، دقیق و برنامه‌ریزی شده برای گسترش نفوذ خود در منطقه قفقاز جنوبی نداشته است تا بتواند مناسبات خود با کشورهای این منطقه به‌ویژه جمهوری آذربایجان را مدیریت کند. در عوض، روس‌ها و ترک‌ها در جنگ قره‌باغ فعال بودند و روند جنگ و توقف آن را رقم زدند. هرچند تلاش‌هایی از سوی تهران برای میانجیگری بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان صورت گرفت، اما ناکارآمد بود. در نهایت، ذکر این نکته ضروری است که جمهوری اسلامی هر فرصتی که در منطقه در رقابت با ترکیه از دست می‌دهد، یک تهدید علیه او محسوب می‌شود. چرا که ترکیه و ایران دو رقیب سنتی در منطقه هستند و هرچقدر ترکیه منفعت بیشتری به دست بیاورد به‌نوعی موازنه قدرت را به سود خود تغییر می‌دهد و از قدرت مانور و چانه‌زنی بیشتر نسبت به جمهوری اسلامی در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی، بهره‌مند خواهد شد.

منابع و مآخذ

فارسی

- بزرگمهری؛ طباطبایی (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا ۲۰۱۵». **فصلنامه سیاست خارجی**، ۳۱(۲)، ۱۰۹-۱۵۰.
- بصیری، ایزدی، زمان آبادی، مژگان (۱۳۸۳). «اهداف سیاست خارجی آمریکا در آسیای مرکزی». **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، ۴۸(۱)، ۹۱-۱۳۰.
- بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۴۰۰)، «عده‌ای محدود از جان تراکتور چه می‌خواهند؟». **پایگاه خبری انتخاب**، آخرین تاریخ به‌روزرسانی ۱۵/۷/۱۴۰۰، قابل دسترسی در:
<https://www.google.com/amp/s/www.entekhab.ir/fa/amp/news/510703>
- بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۹۰). **تمامیت ارضی ایران: سیری در تاریخ مرزهای ایران**، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- داوود اوغلو، احمد. (۱۳۹۵). **عمق راهبردی: موقعیت ترکیه در صحنه بین‌المللی**، ترجمه محمدحسین نوحی نژاد ممقانی، تهران: انتشارات امیرکبیر
- جوادی ارجمند، محمدباقر، فلاح، احسان (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی (با تأکید بر ارمنستان و جمهوری آذربایجان)». **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، ۸(۲)، ۲۱۱-۲۲۸.
- خبرگزاری مهر (۱۴۰۰)، «وحشت ساکنان روستای قره‌باغ از آتش جنگ آذربایجان و ارمنستان»، **پایگاه خبری مهر نیوز**، آخرین تاریخ به‌روزرسانی ۲۸/۷/۱۴۰۰، قابل دسترسی در:
<https://www.google.com/amp/s/www.mehrnews.com/amp/5038228/>
- داوود اوغلو، احمد (۱۳۹۱)، **عمق راهبردی: موقعیت ترکیه در صحنه بین‌المللی**، ترجمه محمدحسین نوحی نژاد ممقانی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رئیسی نژاد، آرش (۱۴۰۰). **ایران و راه ابریشم نوین: از ژئوپلیتیک راه تا دیپلماسی راه**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سیف‌الدینی، حسین (۱۳۹۹). **چشم‌انداز ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان و قراباغ کوهستانی**، انتشارات شیراز: کتاب ما.
- عبدالعلی، قوام (۱۳۹۰). **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**، تهران: سمت.
- غفاری، امید و همکاران (۱۳۹۱). «مناقشه قره‌باغ و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا. ایران»، **فصلنامه امنیت پژوهی**، ۱۱ (۳۹)، ۹۱-۱۱۲.
- فاطمی نسب، علی؛ حسینی، سید جلال (۱۳۹۲). «نقش ترکیه در توسعه پان‌ترکیسم و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران». **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی**، ۳(۳۸)، ۱۰۵-۱۲۷.

- فلاحت پیشه، حشمت اله. شربت، مظفری (۱۳۹۴). «سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و منافع ایران و روسیه». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۴(۱۲)، ۳۷-۶۰.
- کرانی، زهرا. (۱۳۹۸). تاثیر ژئوکالچر منطقه‌ای بر روابط میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی. **مطالعات آسیای جنوب غربی**، ۵(۲)، ۴۵-۶۶.
- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۶). **مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کوشکی، امین؛ بصیری نیا، علی (۱۳۹۸). «راهنمای سیاست خارجی ترکیه در آسیای مرکزی». **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، ۲۵(۱۰۵)، ۱۶۱-۱۹۰.
- مختاری هشی، حسین (۱۳۹۷). «تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیکی) و توصیه‌هایی برای ایران». **ژئوپلیتیک**، ۵۰(۱۴)، ۵۶-۸۲.
- وزارت امور خارجه (۱۴۰۰)، «هشدار سخنگوی وزارت امور خارجه نسبت به هرگونه تعرض از سوی هر یک از طرف‌های درگیر در منطقه به خاک کشورمان»، آخرین تاریخ به‌روزرسانی ۱۴۰۰/۷/۱۲، قابل دسترسی در: <https://mfa.gov.ir/portal/newsview/612630>
- وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۹)، «تماس‌های تلفنی جداگانه دکتر ظریف با وزرای امور خارجه آذربایجان و ارمنستان»، تاریخ به‌روزرسانی ۱۳۹۹/۴/۲۴، قابل دسترسی در <http://mfa.gov.ir/portal/newsview/602788>

انگلیسی:

- Aydin, M. and Sevim T. (ed.). (2002), "Turkish Foreign Policy Bibliography: 1919-2001", Ankara: **Center for Strategic Studies**.
- Reuters Yerevan, "Armenia calls for an international investigation into the foreign fighters in Nagorno Karabakh", Alarabiyanews, Available at: <https://www.syriahr.com/en/191070/> (3 November, 2020.)
- Ashur, S. (2021), Nagorno-Karabakh Conflict: A Geopolitical Analysis, **Doctoral dissertation**, Universidad Carlos III de Madrid .
- Avatkov, V. (2022), "Turkey and Azerbaijan: One Nation–One State?", **Mirovaia ekonomika i mezhdunarodnye otnosheniia**, 66(2): 90-100.
- Idan, A. Shaffer, B. (2021), "Israel's role in the Second Armenia-Azerbaijan War", **The Karabakh Gambit: Responsibility for the Future**, 191-208
- Coskun , O. Spicer, J. "In Nagorno-Karabakh conflict, Erdogan eyes Turkey's place in world order". **Reuters**. Available at: <https://www.reuters.com/article/armenia-azerbaijan-erdogan-analysis-int-idUSKBN26S0HZ> . (7 October 2020.)
- "Cumhurbaşkanı Erdoğan: Türk milleti tüm imkanlarıyla Azerbaycanlı kardeşlerinin yanındadır", **Anadolu Agency**. Available at: <https://www.aa.com.tr/tr/azerbaycan-cephe-hatti/cumhurbaskani-erdogan-turk-milleti-tum-imkanlariyla-azerbaycanli-kardeslerinin-yanindadir/1987256> (27 September, 2020.)
- Dadparvar, S. Azizi, S. (2020), "Exploring Turkey's Strategic Goals in Caucasus Region During the 2020 Nagorno-Karabakh Crisis", **International Relations**, 8(11): 475-482.

- Delanoë, I. (2020), “Israe – Azerbaijan: An alliance in Search OF Renewal”, **Florida Medical Educational Services**, Available at: <https://fmes-france.org/israel-azerbaijan-an-alliance-in-search-of-renewal/> (28 July, 2020).
- Emre, S. A., Iskandarov, O. I., Mahmudov, R. B., & Chernov, D. N. (2021), “Does Turkey have a Central Asian Project?”, **Вестник МГИМО Университета**, 14(3): 82-96.
- Foster, J. B. (2006), “The new geopolitics of empire”, *Monthly Review* New york, 57(8): 1.
- Goble, P. A. (1992), “Coping with the Nagorno-Karabakh Crisis”, Fletcher F. **World Affairs**, 16, 19.
- Goudarzi, M. R., Lashaki, A. B., & Lakani, S. F. M. (2015), “Turkish Foreign Policy in South Caucasus and Its Impacts in Iran-Azerbaijan Relationship”, **J. Pol. & L.**, 8-122
- Huseynov, Y. (2017), “Geopolitics of the Republic of Turkey’s Energy Policy”, **International Journal of Energy Economics and Policy**, 7(3): 337-344.
- Ibrahimov, R., & Oztarsu, M. F. (2022), “Causes of the Second Karabakh War: Analysis of the Positions and the Strength and Weakness of Armenia and Azerbaijan”. **Journal of Balkan and Near Eastern Studies**, 24(4): 595-613.
- Isachenko, D. (2020), “Turkey-Russia partnership in the war over Nagorno-Karabakh”, <https://www.swp-berlin.org/10.18449/2020C53/>(12 November 2020.)
- Tehran Times, “Iran’s peace initiative on Negorno-karabakh gains steam”, Available at: <https://www.tehrantimes.com/news/454278/Iran-s-peace-initiative-on-Nagorno-karabakh-gains-steam/> (4 November 2020)
- Jenkins, G. H. (2012), “Occasional allies, enduring rivals: Turkey’s relations with Iran”, **Central Asia-Caucasus Institute**, Paul H. Nitze School of Advanced International Studies .
- Khan, M. A. (2021), “The Conflict of Azerbaijan and Armenia with Special Reference to Nagorno Karabakh: An Overview”. **Journal of Malay Islamic Studies**, 4(01): 27-33.
- Larrabee, S. F. (2010). “Turkey’s new geopolitics”, **Survival**, 52(2): 157-180.
- Mackinder, H. J. (2004), “The geographical pivot of history (1904)”, **The Geographical Journal**, 170(4): 298-321.
- Mesbahi, M. (2011), “Free and confined: Iran and the international system”. **Iranian Review of Foreign Affairs**, 2(5): 9-34.
- Mikail, E. H., Atun, Y., & Atun, A. (2019), “Turkey-Azerbaijan Economical and Political Relations”, **Open Journal of Political Science**, 9(3): 512-524.
- Modebadze, V., & Mehmert Sayin, F. (2014), “Georgian–Turkish Relations since the Breakdown of Soviet Union”. **Journal of the Faculty of Economics and Administrative Sciences**, 4(1): 33-55.
- Nelli, M. (2021), “Pan-Turkism Manifestations of Turkey-Azerbaijan Military-Political Cooperation”, **Գիտական Ըրցախ/Научный Арцах/Scientific Artsakh**, 4 (11): 44-53.
- “No:406/20, Statement by the President of the Republic of Azerbaijan, the Prime Minister of the Republic of Armenia and the President of the Russian Federation (En/Ru)”, **Republic of Azerbaijan Ministry of Foreign Affairs**, Available at: <https://mfa.gov.az/en/news/no40620-statement-by-the-president-of-the-republic-of-azerbaijan-the-prime-minister-of-the-republic-of-armenia-and-the-president-of-the-russian-federation-enru> (November 2020.)

- O'Byrne, D(2022). "Turkey to build gas pipeline to supply Nakhchivan", Available at: <https://eurasianet.org/turkey-to-build-gas-pipeline-to-supply-nakhchivan>(28 May 2022)
- Pfeffer,(2020) "Netanyahu and Erdogan in Unlikely Alliance Against Iran in Nagorno-Karabakh?", **HAARETS**. Available at: <https://www.google.com/amp/s/www.haaretz.com/world-news/2020-10-02/>
- Rahim, S. A. (2019), "Lapis Lazuli Corridor: Meeting the Economic Aspirations of Afghanistan and Member Countries", **Management**, 2(3): 67-78.
- Reisinezhad, A. (2019), **The Shah of Iran, the Iraqi Kurds, and the Lebanese Shia**, London: palgrave macmillan.
- Ramezanzadeh, A. (1996). "Iran's role as mediator in the Nagorno-Karabakh crisis", **Partnership for Peace Consortium of Defense Academies and Security Studies Institutes**.
- Shahbazov, F. (2017), "Baku-Tbilisi-Kars Railway to Become Central Asia's Gateway to Europe", **Central Asia-Caucasus Analyst Institute**, Available at: <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13486-baku-tbilisi-kars-railway-to-become-central-asias-gateway-to-europe.html>, (12.07. 2017)
- Pachkov, SJ, V(2021). "A New Turkish Empire in the East from the Bosphorus to China.Laciviltacattolica", Available at: https://www.laciviltacattolica.com/a-new-turkish-empire-in-the-east-from-the-bosphorus-to-china/#_ftnref27 (12 April, 2021.)
- Sanz, A(2021). "Council of Europe confirms Turkey's use of mercenaries in Nagorno-Karabakh war", Available at: <https://atalayar.com/en/content/council-europe-confirms-turkeys-use-mercenaries-nagorno-karabakh-war>, (30 September, 2021.)
- Seyfi Ögün, S(2021). "Why is Iran perturbed by Turkey's alliance with Azerbaijan, Pakistan?", **Yenişafak**, Available at: <https://www.yenisafak.com/en/columns/suleymanseyfiogun/why-is-iran-perturbed-by-turkeys-alliance-with-azerbaijan-pakistan-3581735> (2021, October 7).
- The Prime Minister of the Republic of Armenia (2020),"Turkey has returned to the South Caucasus to continue the Armenian genocide – Nikol Pashinyan's Interview with The Globe and Mail", Available at: <https://www.primeminister.am/en/interviews-and-press-conferences/item/2020/10/02/Nikol-Pashinyan-interview-The-Globe-and-Mail/> (2 October, 2020).
- The Prime Minister of the Republic of Armenia(2022), Available at: <https://www.primeminister.am/en/interviews-and-press-conferences/item/2020/10/02/Nikol-Pashinyan-interview-The-Globe-and-Mail/> (accessed on 14 January 2022).
- The Observatory of Economic Complexity Azerbaijan and Turkey Trade.(2020)", Available at: <https://oec.world/en/profile/bilateral-country/aze/partner/> .(accessed on 30 October 2022).
- Trejo, Marta (2021),"Turkey stays out of the Nagorno-Karabakh peace process. Atalayar", Available at: <https://atalayar.com/en/content/turkey-stays-out-nagorno-karabakh-peace-process> (accessed on 29 October 2021).
- Vatankhah, Z., Navazeni, B. (2020), "Turkey's Approach to the Nagorno-Karabakh Crisis (2003-2020)", **Political Studies of Islamic World**, 9(4): 19-39

